

دهه ۶۰؛ عملکرد و سوابق سازمان منافقین

تبیین فرمایشات رهبر معظم انقلاب در

سالروز گرامیداشت رحلت امام خمینی(ره)

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره)، پدیده‌ای شگرف در تاریخ ایران به حساب می‌آید که از آمل و اهداف فرو خفته مبارزات ملت در سده‌های اخیر ایران نشأت گرفته است. فساد مه‌آلود گسیخته، اختناق، ظلم، بی‌عدالتی، تبعیض، وابستگی به بیگانگان و مهم‌تر از همه، زیر پا گذاشته شدن موازین اسلامی توسط نظام شاهنشاهی، مشخصه‌های حکومتی بود که امام خمینی(ره) پرچمدار مبارزه با آن بود. رهبر انقلاب خواستار تشکیل حکومت اسلامی و در پرتو آن، تحقق عدالت اجتماعی، اقتصادی و استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور از بیگانگان و آزادی آحاد ملت در چارچوب موازین اسلامی بودند. تبیین اهداف اصلی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران از یک سو و بررسی شرایط تاریخ قبل و بعد از انقلاب، یکی از وظایف نیروهای انقلابی است. لذا در این نوشته سعی شده تا با توجه به دستور رهبر معظم انقلاب، مبنی بر شناخت تاریخ دهه ۶۰ - برای جلوگیری از تحریف آن و عوض نشدن جای جلا و شهید - شرایط آن زمان، خصوصاً جنایات منافقین و علت و نحوه برخورد نظام با اعضای سازمان بررسی و تحلیل گردد.

دسته بندی دوره های پس از انقلاب تا رحلت امام(ره)

در یک دسته بندی ساده می‌توان دوران امام خمینی(ره) در عصر انقلاب را به دو زمانه مجزا تقسیم نمود:

۱- دوران گذار: اولین دوره - که از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۰ تداوم یافته است - را می‌توان «دوران گذار» نام نهاد؛ زیرا در این دوره علاوه بر اینکه در حال گذار از شرایط سیاسی - اجتماعی دوران قبل از انقلاب و استقرار کامل نظام جمهوری اسلامی هستیم، با تغییر زودگذر و مکرر دولت‌ها مواجهیم. از خصوصیات این دوره، بر سر کار آمدن دو دولت با گرایش‌های تقاطعی اسلام لیبرالیستی می‌باشد که هیچ‌سختی با انقلاب و تفکرات انقلابی ندارند.

کابینه بازرگان در پی حل مسائل و مشکلات موجود در قالب‌های سیاسی رایج بود و از هر گونه اقدام و حرکت انقلابی برای ایجاد تغییرات بنیادی در نهادها و ساختارها یا اصلاح ساختارها و نهادهای به جا مانده از رژیم گذشته و ایجاد نهادهای نو، پرهیز می‌کرد که هیچ‌سازگاری‌ای با فضای انقلابی و مطالبات عمومی و نیز ماهیت انقلاب نداشت. از طرفی دولت موقت نیز به هیچ‌نحو پیام انقلاب را درک ننمود.^۱ برای مثال تا چندین ماه نیروهای مستشار نظامی آمریکا در ایران مشغول کار بودند و صرفاً دولت موقت تمایل داشت که اسم آن را تغییر جزئی دهد که با مخالفت شهید چمران و رهبر معظم انقلاب مواجه شده بود و اخراج گردیدند.^۲ عدم درک انقلاب باعث گردید که کارتر در یادداشت شخصی خود در ۱۲ فوریه ۱۹۷۹ یعنی یک روز پس از پیروزی انقلاب بنویسد که «گروه مهندس بازرگان خیلی به ما کمک کرده اند و پیغام فرستاده اند که می‌خواهند روابط خود را ادامه دهند.»^۳ رفتار بازرگان در مواردی مانند اشغال لانه جاسوسی نشان داد که دولت لیبرال موقت با روحیه غیرانقلابی خود، نمی‌تواند چارچوب‌های قانونی و کلی رژیم گذشته را در هم ریخته، طرح‌ها و سیاست‌هایی با مقتضیات انقلاب در اندازد.

۱- اسماعیلی، خیرا...، دولت موقت، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۲۲.

۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۵ اردیبهشت ۷۴، ص ۲.

۳- کیهان، ۱۸ آذر ۸۹، ص ۸.

با روی کار آمدن بنی صدر، این وضعیت در شرایط دیگری تداوم یافت. در واقع؛ در سه سال اول انقلاب یعنی در «مرحله گذار»، لیبرال های محافظه کار در دو مقطع، دولت تشکیل دادند. تقابل نیروهای انقلابی، حزب اللهی و مکتبی با لیبرال ها، در این مرحله مطرح شد. در مقطع اول، لیبرال ها در کنار دوگانگی سیاسی موجود به عنوان چالش اصلی کشور و انقلاب، درگیر تنش های داخلی مانند برخی فتنه های قومیتی، تلاش نظام سلطه برای براندازی جمهوری اسلامی، مانند: حادثه طبس، ترورهای خیابانی و شخصیت ها، شروع دفاع مقدس و ... بودند. اما «دوره گذار» با روی کار آمدن دولت شهیدان رجایی و باهنر و ترور آنها پایان می یابد.

۲- دوره استقرار: دوره دوم انقلاب با آغاز ریاست جمهوری آیت الله خامنه ای در سال ۱۳۶۰ و نخست وزیری مهندس موسوی آغاز می شود. آیت الله خامنه ای که بعد از شهید رجایی با کسب ۹۵٪ کل آرا به ریاست جمهوری برگزیده شد، دست به تشکیل کابینه زد. حضرت امام (ره) در مراسم تنفیذ حکم ایشان در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۱۷، این دوره را به عنوان «آغاز دوران استقرار حکومت اسلامی» نام بردند. در این دوره، نیروهای انقلابی و مکتبی پس از سه سال کشمکش سیاسی با لیبرال های محافظه کار (دولت موقت) و لیبرال های مدرن (بنی صدر)، قوای سه گانه را تحت کنترل خود در آوردند. از مشخصات این دوره می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

الف: اتحاد چپ و راست التقاطی علیه نیروهای خط امام با اتحادهایی مانند: تشکیل شورای ملی مقاومت در پاریس.

ب: افزایش اقدامات تروریستی گروه های چپ علیه سران نظام و مردم.

ج: افزایش توان جمهوری اسلامی در عرصه دفاع مقدس و شروع پیروزی های بزرگ.

د: آغاز نقدهای درون گفتمانی خط امام (ره)، که منجر به تشکیل جناح چپ و راست در کشور گردید.

ه: ریزش برخی نیروهای درونی و تقابل با خط امام، مانند آیت ... سید کاظم شریعتمداری و آیتا... منتظری.

مروری بر تاریخچه و رفتار سازمان منافقین در دهه اول انقلاب

منافقین، عنوانی است که به دلیل رفتار متعارض و عملکرد دوگانه سازمان مجاهدین خلق از ابتدای دهه ۶۰ به این گروهک التقاطی اطلاق می گردد و شکل گیری آن به سال ۱۳۴۴ بر می گردد که سه تن از اعضای سابق جبهه ملی دوم و نهضت آزادی، تصمیم گرفتند در مبارزه علیه رژیم شاه، سازمانی با مشی مسلحانه به وجود آورند. محمد حنیف نژاد، سعید محسن و عبدالرضا نیک بین رودسری، هسته اولیه گروه را تشکیل دادند و یک سال بعد علی اصغر بدیع زادگان به این جمع پیوست. این افراد با آنکه شخصا مذهبی بودند و نسبت به عقاید و رفتار مذهبی خویش توجه و حساسیت داشتند، اما از نظر سیاسی و ایدئولوژیک، پرورش یافته جبهه ملی و نهضت آزادی بودند. حنیف نژاد درباره سیر مطالعاتی خود می گوید که: «ما حدود سه سال و نیم با عده معدودی مطالعه می کردیم و سپس تا سال ۴۷ تعداد افراد ما بیشتر شد... ابتدا فقط قرآن و گاهی هم نهج البلاغه می خواندیم و برای بالا بردن سطح اعتقادات افراد از کتاب های آقای مهندس بازرگان و طالقانی استفاده می کردیم... ما برای وارد شدن به نظریات مارکسیست ها، کتاب های آن ها را هم مطالعه می کردیم.»^۴

بیشترین تاثیر در انحراف سازمان مجاهدین را مطالعه آثار مهندس بازرگان بر جای گذاشت. این تاثیر به حدی بود که سعید محسن ادعا می نمود؛ «بدون اغراق من صد بار کتاب راه طی شده را خوانده ام».^۵ این قرابت در حدی بود که در دوازدهم اردیبهشت ماه ۶۰، مقاله ای از مهندس مهدی بازرگان با عنوان «فرزندان مجاهد و مکتبی عزیزم» در روزنامه میزان به چاپ رسید

۴- روحانی، سید حمید، نهضت امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، صص ۵۵۸-۵۵۷.

۵- جعفری، محمد مهدی، سازمان مجاهدین خلق از درون، تهران: نگاه امروز، ۱۳۸۳، ص ۷۹.

که واکنش های متفاوتی را برانگیخت. امام راحل(ره) هم در نامه به محتشمی وزیر وقت کشور از عبارت «منافقین این فرزندان عزیز مهندس بازرگان» استفاده نمودند.

رفتار منافقین پس از انقلاب

منافقین پس از انقلاب اسلامی سه مرحله سیاسی را پشت سر گذاشتند که در مرحله سوم، خود وارد نزاع مسلحانه با نظام جمهوری اسلامی شدند. سه مرحله رفتار منافقین پس از انقلاب عبارتند از:

۱- منافقین در گام اول خود سعی کردند جایگاه سازمان متبوعشان را تثبیت کرده و خود را بعنوان آلترناتیو رهبران سیاسی در حاکمیت معرفی نمایند. این گروه حتی اعتقاد داشت که بعد از انقلاب بواسطه داشتن نیروهای تحصیل کرده مستحق تشکیل دولت می باشد. محمدرضا سعادت از سران منافقین در سال ۵۷ از طریق آیت ا... طالقانی به امام(ره) پیام فرستاد که «ما خودمان اعضای دولت را مشخص کرده ایم و کشور را اداره خواهیم کرد ... اگر شما دولت تشکیل دهید شکست خواهید خورد.» این گروه در نامه خود به امام خمینی(ره) و با استفاده از عبارت «پدر گرامی»، نوشت: «ارکان مجاهدین همان ارکان عقیدتی دین اسلام و مذهب حقه جعفری اثنی عشری است.»^۶

البته به علت نفاق موجود در سازمان، این گروه از یک طرف در فراندوم تصویب قانون اساسی شرکت نکرد، ولی از سوی دیگر مسعود رجوی را کاندیدای ریاست جمهوری نمود یا به صورت مشروط به جمهوری اسلامی رای مثبت داده و در انتخابات مجلس خبرگان کاندیدا معرفی نمودند. این نفاق از سویی باعث گردید که همزمان با کار سیاسی، با اسلحه هایی که از غارت سربازخانه ها به دست آورده بودند نیروهای میلیشیای خود را برای فاز نظامی علیه نظام آماده کنند.

۲- دومین گام از رفتار سازمان منافقین ائتلاف با بنی صدر بود. بنی صدر برای جاه طلبی های خود نیازمند یک نیروی نظامی توانمند بود تا در صورت نیاز بتواند در برابر نهادهایی مانند؛ کمیته، سپاه و ... قد علم کند. به همین خاطر ما شاهد حضور مهدی ممکن و یزدان حاج حمزه از نیروهای ارشد منافقین در دولت بنی صدر بعنوان رئیس دفتر و مشاور فرهنگی هستیم.^۸ از سویی سازمان منافقین بنی صدر را بعنوان رئیس جمهور مستقر طعمه خوبی برای رسیدن به اهداف خود می دیدند.

اوج ائتلاف بنی صدر و رجوی در غائله ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ بود که به ضرب و شتم معترضین بنی صدر پرداختند. تقابل بنی صدر با نظام به حدی بود که بعد از فرار ادعا کرد به دنبال کودتا علیه نظام بوده است، ولی بعلت کمی استعداد نیروهای حامی اش از این کار منصرف شده است.^۹ همراهی با بنی صدر تا زمان خروج او از کشور ادامه پیدا کرد و پس از آن منافقین وارد فاز مسلحانه با نظام جمهوری اسلامی شدند.

۳- در روز ۲۸ خرداد ۱۳۶۰ سازمان منافقین با بیانیه شماره ۲۰ خود و به بهانه حمله به منزل پدر مهدی ابریشم چی و دستگیری برخی طرفداران بنی صدر، وارد فاز مسلحانه علیه نظام شد. با وجود اینکه پس از اعلام عدم کفایت بنی صدر، رجوی به همراه او از کشور خارج شده و در پاریس شورای ملی مقاومت را تشکیل دادند، ولی از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ وحشیانه ترین ترورها را انجام دادند.

گاهی شهداء ترور که غالباً توسط منافقین به شهادت رسیده اند تا ۱۶ هزار نفر گفته می شود. با استناد به مصاحبه مسعود رجوی با نشریه عرب زبان «المصور»، تعداد شهروندان ایرانی ای که از ابتدای ورود سازمان به فاز مسلحانه تا پایان سال ۱۳۶۲ به

۶- روزنامه میزان، ۱۲ اردیبهشت ۶۰.

۷- ماهنامه ی شاهد یاران، شماره ۲۲، شهریور ۶۸، ص ۲۱۱.

۸- صفار هرنندی، مرتضی، رازهای دهه شصت، تهران: کیهان، ۱۳۹۱، ص ۱۷۵.

۹- ویژه نامه ی سیاسی روزنامه جوان، خرداد ۱۳۹۱، ص ۱۲۵.

دست نیروهای سازمان به شهادت رسیدند، بیش از ۶ هزار نفر اعلام شد.^{۱۰} بر اساس منابع سازمان، این تعداد با احتساب کشته شدگان در کردستان و نوار مرزی، ۷ هزار نفر بوده و بیلان عملیات و تخریب در سطح شهرها در این دوره نیز ۱۲۰۰ مورد بوده است. سازمان که نتوانسته بود عنصر اجتماعی و حمایت توده ای را برای مقابله با نظام به دست آورد به انتقام گیری از مردم پرداخت. بر اساس آمار ادعایی سازمان از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۳ تعداد پنج هزار نفر از نیروهای جمهوری اسلامی در سطح شهرها و کردستان و منطقه نوار مرزی ایران و عراق توسط تیم های ترور و گروه های عملیاتی نظامی ترور شدند و بر اساس بیلان عملیات تخریب سازمان، ۹۰۰ عملیات تخریب نیز اجرا شد. بر اساس گزارش های سازمان از میان ۲۸۰۰ نفری که از ۳۰ خرداد ۱۳۶۱ تا ۳۰ خرداد ۱۳۶۲ به شهادت رسیدند، تنها ۴۰ نفر عضو سپاه پاسداران بودند و مابقی را شهروندان عادی غیر نظامی تشکیل می دادند. این مسئله بیشتر به دلیل تروهای کور واحدهای ترور سازمان بود که رهگذران و صاحبان کسب و پیشه را صرفاً به دلایلی مانند نصب تصاویر حضرت امام خمینی(ره) و یا سایر مسئولان نظام در محل کسب خود و یا حضور در اماکنی مانند: مسجد و یا پایگاه های بسیج، کمیته، سپاه و ... یا داشتن ظاهر حزب اللهی هدف ترور قرار داده بود.^{۱۱}

بر این اساس نمونه ای از فرمان ها و خطوطی که به افراد و تیم های ترور سازمان داده می شد، به نشانه های زیر به عنوان مشخصه های سرانگشتان رژیم که باید ترور شوند اشاره شده است:

- افرادی که به نماز جمعه می روند.

- کلیه افرادی که به مسکونی ها و مغازه های مشکوک رفت و آمد دارند و تیپ حزب اللهی دارند.

- کلیه افرادی که از دادن وسایل نقلیه مثل ماشین، موتور و ... به واحدهای نظامی مجاهدین خودداری می کنند ...

- کلیه افرادی که تیپ ظاهری آنها مذهبی و حزب اللهی است و پوتین و شلوار سربازی به تن دارند، ترور شوند.

کلیه افرادی که در حین انجام ترور، کوچکترین حرکتی در جهت مخالفت و ایجاد موانع با واحدها انجام دهند. چه لفظی (مثلاً بگویند مرگ بر رجوی و مرگ بر منافق) و چه عملی (مثلاً جلوی ماشین مانع حرکت شوند) باشد.

- تمامی مکان ها و مغازه ها، دست فروشی ها و ماشین هایی که عکس های امام خمینی(ره) و دیگر مقامات رژیم را دارند، باید ترور و منهدم شوند.

- بعد از ترور، تیر خلاص حتماً باید زده شود و خانه به همراه اجساد به آتش کشیده شود.^{۱۲}

شروع همکاری صدام و منافقین

سازمان با اعلام شروع مرحله سوم اقدامات تروریستی، یعنی براندازی نظام با عنوان «سرنگونی رژیم» از سال ۱۳۶۳ به بعد، سه هدف تداوم فعالیت های مسلحانه علیه نظام، قیام توده ای در شهرها به ویژه تهران و تمرکز بر آزادسازی منطقه ای مرزی از ایران (به ویژه کردستان) و در نتیجه تشکیل ارتش خلق برای تصرف تهران را پیگیری می کرد. سازمان در سال ۱۳۶۳، باقیمانده نیروهای خود را از ایران خارج کرد و به کردستان عراق انتقال داد.

سازمان به دلیل دستگیری تعداد زیادی از افراد هوادار آن در سال های ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ در داخل ایران، عملاً با استقرار در پایگاه هایی در کردستان عراق، از جمله پایگاه های «موسک»، «جلیلی»، «تدین» و «سلیمانیه»، جذب نیرو و آموزش نظامی اعضا و هواداران را در این منطقه پی گیری کرد. همچنین سازمان با استقرار رادیو مجاهد و دستگاه های شنود در ارتفاعات سلیمانیه، ارتباطات بی سیمی نیروهای نظامی ایران را شنود می کرد.

۱۰- کوشکی، محمد صادق، تبار ترور، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۶۱-۵۵

۱۱- همان، ص ۲۷۷.

۱۲- راستگو، علی اکبر، مجاهدین خلق در آینه تاریخ، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴، صص ۵۲-۵۱.

بر این اساس، عملاً با استقرار سازمان در کردستان در سال ۶۴ و سپس انتقال مرکز فرماندهی مجاهدین در سال ۱۳۶۵ به عراق، سازمان رسماً به بخشی از ارتش متجاوز صدام تبدیل شد. در این زمینه سازمان از همان نخستین سال سکونت در فرانسه کوشیده بود در فضای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، نشان دهد می‌خواهد با عراق همراهی کند؛ چنانکه رجوی در مصاحبه اش در آذر ۱۳۶۰ با مجله الوطن تأکید کرده بود: «مشکل شط العرب متعلق به عراق است».^{۱۳}

بدین ترتیب با حمایت مالی و نظامی رژیم بعث عراق، واحدهای کوچک نظامی سازمان به سرعت سازماندهی و تجهیز شدند. منابع سازمان مدعی اند در سال ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ بعد از تأسیس ارتش آزادیبخش، هزاران نفر تلفات به نیروهای ایران وارد ساختند که اوج آن خیانت منافقین در تهاجم به خطوط دفاعی جمهوری اسلامی در سال‌های پایانی جنگ که چهره ایرانی و زبان فارسی غافلگیری منافقین ایرانی و شکسته شدن برخی خطوط دفاعی را بدنبال داشت و این آغاز وقایع پایانی جنگ به نفع متجاوزین عراقی و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بود. البته باید توجه داشت که سازمان در طول سال‌های استقرار در عراق با اغراق در آمارهای عملیات نظامی و ترور تلاش داشت به بهانه گسترش این عملیات ها، امکانات بیشتری به دست آورد. بر اساس مصاحبه نشریه الحیات با سرلشکر و فیک السامرابی، یکی از فرماندهان اطلاعات نظامی رژیم بعث عراق، رجوی پس از حضور در عراق ماهیانه علاوه بر تأمین هزینه ها و احتیاجات سازمان بین ۹ تا ۱۰ میلیون دلار از رژیم عراق دریافت می‌کرد و پیش از جنگ کویت نیز ماهیانه ۲۰ میلیون دینار عراقی از سازمان اطلاعات نظامی (استخبارات) می‌گرفت.^{۱۴}

عملیات های آفتاب و چلچراغ، شروع توهّم رجوی

سیر عملیات نظامی و تبلیغات گسترده سازمان در سال ۶۷ شدت گرفت، به گونه‌ای که در «عملیات آفتاب» در منطقه شوش توانستند با همکاری رژیم بعث عراق و اصل غافلگیری، خط پافندی ارتش را تصرف نموده و پس از شهید و مجروح نمودن تعدادی از رزمندگان و گرفتن غنائم قابل توجه عقب نشینی نمایند. انجام عملیات آفتاب در فروردین ۶۷ و تبلیغات وسیع آن، سازمان را در مسیر جدیدی از عملیات های گسترده قرار داد به گونه ای که در پایان روزهای خرداد ۶۷ بعد از نشست محرمانه صدام و رجوی، تجهیزات سنگینی شامل تانک‌های تی ۵۵ و نفربرهای پی‌ام پی در اختیار سازمان قرار گرفت. سازمان با این امکانات وسیع حمله به مهران را تحت عنوان «عملیات چلچراغ» آغاز کرد و توانست با آتش توپخانه و زرهی عراق، شهر را به تصرف درآورد و پس از ورود خسارات زیاد و شهید و مجروح نمودن تعداد قابل توجهی از رزمندگان، با گرفتن اسرا و غنائم و با دعوت از خبرگزاری‌های خارجی برای تهیه عکس و فیلم فراوان عقب نشینی نماید. این عملیات غرور سازمان و رهبران آن را به جایی رساند که اظهار می‌کردند: «ما که می‌توانیم مهران را آزاد کنیم، می‌توانیم تهران را نیز آزاد کنیم».^{۱۵}

فروغ جاویدان و تلاش برای براندازی نهایی

منافقین بر اساس تحلیل و برداشت خود و با مغتنم دانستن فرصت پیش آمده، در سوم مرداد ۱۳۶۷، عملیات خود موسوم به فروغ جاویدان را آغاز کرد. طبق برنامه‌ریزی‌های انجام شده، در این روز، یگان‌های ارتش آزادی‌بخش از قرارگاه خود در عمق خاک عراق حرکت کرده و ساعت ۱۶ با عبور از مرز خسروی عملیات خود را آغاز کرد. از آن جا که بیش تر نیروهای ایرانی در جبهه‌های جنوب حضور داشتند، عناصر سازمان با کم‌ترین درگیری ممکن، وارد کردند شدند؛ هم‌زمان با این حرکت سازمان، عراق نیز با اجرای آتش سنگین توپخانه، از عملیات پشتیبانی می‌کرد و همین امر موجب شهادت عده‌ای از روستاییان منطقه شد؛ در ادامه عملیات فروغ جاویدان، شهر اسلام‌آباد نیز به تصرف نیروهای سازمان درآمد.

۱۳- بی‌نا، منافقین و جنگ تحمیلی، نشریه پیام انقلاب، سال چهارم، شماره ۸۹، مرداد ۱۳۶۲، ص ۲۶.

۱۴- نشریه پیوند، شماره ۳، آبان ۱۳۷۶، ص ۲۱.

۱۵- ناصر شبانی، «عملیات فروغ جاویدان بن‌بست در استراتژی»، نگین ایران، فصل‌نامه تخصصی مطالعات جنگ ایران و عراق، شماره ۱۷، ص ۱۰۶.

با پیشروی سریع اولیه نیروهای سازمان، منطقه مرزی گیلان غرب شاهد کشتارهای گسترده‌ای بود. در منطقه اسلام‌آباد، بعد از آن‌که نیروهای سازمان مجاهدین خلق به مقرهای دولتی راه یافتند و آن‌ها را ویران کردند، جنایات وحشتناکی مثل کشتار مجروحین در بیمارستان و به آتش کشاندن آن مرتکب شدند که هدف آن‌ها ایجاد رعب و وحشت برای جلب حمایت مردمی بود. هر چند در آغاز عملیات نیروهای سازمان توانستند در عرض بیست و چهار ساعت خود را به ۳۴ کیلومتری کرمانشاه برسانند، اما برخلاف تصور مسئولان سازمان، مردم هیچ‌گونه همراهی با آنان نکردند؛ حتی پس از اطلاع از تجاوز مجاهدین خلق، درصدد مقابله برآمده و به جبهه‌های جنگ اعزام شدند. گروهک نفاق، خوشحال از پیشروی‌های مقدماتی و در یک اقدام عجولانه، راهی باختران (کرمانشاه) شده و به خیال خود، قصد حرکت به سمت تهران و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران را کردند. رادیو مجاهدین، با ارسال پیام به مردم باختران، از آن‌ها خواست که زمینه را برای ورود ارتش باصطلاح آزادیبخش مهیا سازند و آماده جذب در گردان‌ها و لشکرها باشند. نیروهای ایرانی نیز از صبح روز چهارم مرداد به مقاومت در برابر تهاجم سازمان پرداختند. به دنبال آن از روز ششم مرداد، نیروهای سپاه پاسداران با اجرای عملیاتی موسوم به «مرصاد» به نیروهای ارتش باصطلاح آزادیبخش حمله کردند؛ در این عملیات، ۳ گردان از تیپ نبی‌اکرم، تیپ مسلم و یک گردان از ایلام حضور داشتند.

به این ترتیب نیروهای ایرانی در محور اسلام‌آباد به باختران و در محدوده ارتفاعات چهارزبر، راه را بر ستون‌های متجاوز بسته و تعداد فراوانی از ادوات سنگین زرهی مجاهدین را هدف قرار داده و به آتش کشیدند. جاده باختران-اسلام‌آباد در همان لحظات اولیه، انباشته از ادوات انهدامی شد و عکس‌العمل سریع رزمندگان، عناصر گروهک رجوی را غافل‌گیر کرد. نیروهای لشکر ۲۷ محمدرسول‌الله(ص) توانستند از سهراهی غرب اسلام‌آباد، دشمن را دور زده و ضمن تحمیل تلفات سنگین بر آن‌ها، وارد اسلام‌آباد شوند و این شهر را از تصرف عناصر منافقین خارج کنند. سپس یگان‌های سپاه پاسداران با سرعت به سمت کرند پیش رفتند. سرانجام در هفتم مرداد مجاهدین به طور رسمی عقب‌نشینی خود را از اسلام‌آباد و کرند اعلام کردند.

گفتنی است در این عملیات، هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی نیز با اجرای آتش بسیار شدید روی نیروهای دشمن، شکست سختی به آن‌ها وارد کرد. بدین ترتیب، سازمان مجاهدین، در این عملیات، متحمل تلفات و خسارات فراوانی شد و بیش از ۴۳۸ تانک و نفربر و ۱۲۰۰ قبضه تجهیزات نظامی از قبیل خمپاره‌انداز، توپ ضد هوایی و سلاح انفرادی را از دست داد. علاوه بر این، ده‌ها تانک، نفربر، خودرو و نیز صدها سلاح سبک به غنیمت نیروهای ایران درآمد و شمار کشته‌های سازمان مجاهدین در این عملیات بین ۱۵۰۰ تا ۲۵۰۶ نفر ذکر شده است.^{۱۶}

علل تصمیم سازمان منافقین جهت عملیات فروغ جاویدان

در یک دسته بندی کلی می توان هدف منافقین از عملیات فروغ جاویدان را تحت عناوین ذیل دسته بندی نمود:

۱- عوامل موثر داخلی

۱-۱- ایجاد ذهنیت در منافقین مبنی بر نابسامانی جبهه ها.

۱-۲- وضعیت اقتصادی ایران.

۱-۳- احساس سازمان مبنی بر تأثیرات روانی منفی جنگ شهرها بر روحیه مردم.

۱-۴- پندار کاهش مشروعیت و مقبولیت نظام پس از قطعنامه ۵۹۸.

۲- عوامل موثر درون سازمانی

۲-۱- نگرانی سیاسی سازمان پس از جنگ.

۲-۲- ویژگی های شخصی و روانی سرکرده گروهک مسعود رجوی مانند خودبزرگ بینی.

۱-۳- اجماع نظام بین الملل برای اعمال فشار بر ایران جهت پایان جنگ.

۲-۳- مداخله ی مستقیم آمریکا در جنگ.

۳-۳- افزایش فشار سیاسی ، اقتصادی و نظامی به ایران.^{۱۷}

اعدام زندانیان گروه منافقین در سال ۶۷

اهمیت تشکیلات زندان برای گروهک تروریستی منافقین تا آن اندازه بود که در آستانه عملیات «فروغ جاویدان» مسعود رجوی گفت: «براساس تقسیمات انجام شده، ۴۸ ساعته به تهران خواهیم رسید... از طرفی درب زندان‌ها که باز شود آنها هم با ما هستند و با ما همراهی خواهند کرد. نیروهای زندان بالقوه با ما هستند». در یک دسته بندی کلی علت اهمیت زندانیان منافق برای سازمان به شرح ذیل می باشد:

۱- جلوگیری از بازگشت و ندامت اعضای بازداشت شده با روش‌های تهدید و تطمیع و نگه داشتن آنها بر سر موضع نفاق به عنوان مهمترین هدف تشکیلات زندان.

۲- شناسایی مسئولین زندان به منظور ترور آنها که از جمله آن می توان به ترور شهید حسین قانع در مشهد اشاره کرد که هم شناسایی و هم ترور وی توسط زندانیان عضو تشکیلات زندان که آزاد شده بودند انجام شد. همچنین می توان به شناسایی شهید لاجوردی اشاره کرد که بعدها توسط یک تیم اعزامی از عراق ترور شد.

۳- تعداد زیادی از زندانیان عضو تشکیلات زندان که با اتمام مدت محکومیتشان و یا با عفو آزاد شده بودند بلافاصله به بخش نظامی تشکیلات در عراق وصل شدند. بر اساس یک آمار حدود ۴۰ درصد از زندانیان آزاد شده مجدداً به این گروهک پیوستند و حدود ۵۰ درصد از لیست ۱۱۶۰ نفره اسامی اعضای معدوم این گروهک در عملیات مرصاد، از زندانیان آزاد شده می باشند.

۴- به طور کلی می توان گفت که تشکیلات خارج کشور دقیقاً می دانست که چه کسانی آزاد شده اند و بایستی برای چه کسانی و در کدام شهر بیک مواصلاتی بفرستند و او را از کشور خارج سازند. در سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ ده‌ها نفر به همین طریق و از مسیر خط مواصلاتی که قاچاقچیان وابسته به منافقین در کویر کرمان ایجاد کرده بودند به کراچی پاکستان و از آنجا به عراق منتقل شدند. به شکلی که برای اعزام به پایگاه کراچی، هر استان برای خود یک مرکزیت داشت که زندانی های آزاد شده در آن سازماندهی می شدند.

۵- از سال ۱۳۶۴ پشتیبانی کلیه تیم‌هایی که برای ترور وارد کشور می شدند با زندانیان آزاد شده بود و از قبل مقرر شده بود که در خانه چه کسی مستقر شوند و زندانیان آزاد شده چه امکاناتی در اختیار اعضای تیم قرار دهند.

۶- از سال ۱۳۶۴ خط تشکیلات زندان، ارتباط با نمایندگان آیت الله منتظری در زندان و جذب آنان به نفع گروه بود. حتی تشکیلات زندان به برخی از اعضای خانواده مأموریت داده بود تا مستقیماً به قم و بیت ایشان مراجعه کنند و درخواست ملاقات حضوری کنند و در صورتی که موفق نشوند حتماً به صورت مکتوب گزارشی با محتوای احساسی و حاکی از زجر و شکنجه زندانیان به دست آیت الله منتظری برسانند.

۷- از سال ۱۳۶۶ هم زمان با اعلام تشکیل ارتش آزادیبخش توسط رجوی در عراق، تشکیلات زندان خط تحریم کلاسهای آموزشی و مرزبندی با سایر زندانیان و به ویژه بایکوت توابع و تشکیل کلاسهای ایدئولوژیک و سیاسی را صادر و اجرایی کرد. این کلاسها با هماهنگی مسئولین زندان که وابسته به جریان آیت الله منتظری بودند، انجام می شد و کتاب مورد نیاز توسط آنها تأمین می شد.^{۱۸}

۱۷- همان ، صص ۱۰۴-۹۶.

۱۸- <http://www.bultanneews.com/fa/news/>-۴۷۳۸۰۲

دستور قاطع امام خمینی(ره) برای مقابله و اعدام منافقین

با ادامه جنایت ها و تجاوز منافقین به ایران و همکاری و همراهی باقیمانده های منافقین، راه حلی جزء اقدامی قاطع در مقابل خیانت ها و ترورهای کور مردم عادی باقی نمانده بود. هیچ حکومتی در دنیا با ترور با مماشات و مصلحت برخورد نمی کند، ولی جمهوری اسلامی تقریباً یک دهه، به روش های دیگر سعی می کرد با منافقین برخورد کند که جوابگو نبود. به هر حال پس از همدستی منافقین با صدام در حمله به ایران و تدارک برهم زدن امنیت شهرها توسط باقیمانده های منافقین، امام خمینی(ره)، برای حفظ کشور و نظام و خشکاندن غده چرکین نفاق، حکمی را صادر کردند که یکی از قاطع ترین و مهم ترین دستورات ایشان بود:

«از آنجا که منافقین خائن به هیچ وجه به اسلام معتقد نبوده و هر چه می گویند از روی حيله و نفاق آنهاست و به اقرار سران آنها از اسلام ارتداد پیدا کرده اند، با توجه به محارب بودن آنها و جنگ کلاسیک آنها در شمال و غرب و جنوب کشور با همکاری های حزب بعث عراق و نیز جاسوسی آنها برای صدام علیه ملت مسلمان ما و با توجه به ارتباط آنان با استکبار جهانی و ضربات ناجوانمردانه آنان از ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی تا کنون، کسانی که در زندان های سراسر کشور بر سر موضع نفاق خود پافشاری کرده و می کنند، محارب و محکوم به اعدام می باشند و تشخیص موضوع نیز در تهران با رای اکثریت آقایان حجت الاسلام نیری(قاضی شرع) و جناب آقای اشراقی (دادستان تهران) و نماینده ای از وزارت اطلاعات می باشد، اگر چه احتیاط در اجماع است، و همین طور در زندان های مراکز استان کشور رای اکثریت آقایان قاضی شرع، دادستان انقلاب و یا دادیار و نماینده وزارت اطلاعات لازم الاتباع می باشد، رحم بر محاربین ساده اندیشی است، قاطعیت اسلام در برابر دشمنان خدا از اصول تردیدناپذیر نظام اسلامی است، امیدوارم با خشم و کینه انقلابی خود نسبت به دشمنان اسلام رضایت خداوند متعال را جلب نمایید، آقایانی که تشخیص موضوع به عهده آنان است وسوسه و شک و تردید نکنند و سعی کنند اشداء علی الکفار باشند. تردید در مسائل قضایی اسلام انقلابی نادیده گرفتن خون پاک و مطهر شهدا می باشد. والسلام»

مبانی فقهی برخورد با منافقین

فقها رفتار منافقین را مصداق «بغی و بغات» دانسته و در تعریف آن گفته اند: «بغات و اهل بغی به ظاهر مسلمان هستند؛ یعنی شهادتین را می گویند و معاد را انکار نمی کنند و بالأخره تظاهر به اسلام می کنند. اما با خروج و شورش مسلحانه علیه امام عادل جامعه اسلامی اساس نظم و استواری جامعه را بر هم می زنند و از درون، اسلام و مسلمانان را تضعیف می کنند و بدین وسیله زمینه را برای هجوم کفار و خارجیان ناگزیر آماده می سازند و این همان چیزی است که با جرأت می توان آن را «تهدید کیان اسلام و مسلمانان» نامید که در پی نابودی و اسقاط نظام دینی است که در آن عملیات و خروج هسته و شیرازه امنیت و کیان اسلام پاشیده می شود».

اما با توجه به مبانی عدل و انصاف که روح اسلام با آن عجین می باشد، فقها، اهل بغی را به دو دسته تقسیم کرده اند و برای هر کدام حکم و شیوه جداگانه ای قائل شده اند:

۱- «ذی فئه»: یعنی آن تیپ و دسته از باغیانی که دارای گروه و سازماندهی و تشکیلات پشت جبهه هستند. یعنی، غیر از افراد مهاجم، کسان دیگری را نیز تجهیز و آماده کرده اند که در صورت لزوم از آن ها استفاده می نمایند. این ها را اصطلاحاً «باغیان ذی فئه» می نامند. طبق آراء فقهی، با این دسته از باغیان باید جنگید و مجروحانشان که اسیر می شوند اعدام می گردند و فراری هایشان مورد تعقیب قرار می گیرند تا کاملاً متلاشی شوند و لانه فساد آنان از بین برود.

۲- «غیر ذی فئه»: یعنی آن دسته باغیانی که دارای سازماندهی و تشکیلات پشت جبهه نیستند، بلکه همان هایی هستند که در معرکه حاضرند. علاوه بر این از آنجا که منافقین با خروج مسلحانه علیه نظام و کشتار مردم و عوامل وابسته به نظام از یکسو و همکاری با ارتش صدام در تجاوز به کشور و اقدام نظامی علیه رزمندگان اسلام، جاسوس در داخل کشور و تشویق صدام

به جنگ شهرها و شهادت مردم، محاربه عملی علیه نظام را دنبال می‌کردند، حضرت امام(ره) آراء آنان به عنوان محارب تام می‌پرداختند که حکم آن اعلام می‌باشد.

لذا با توجه به آنچه گفته شد سازمان منافقین براساس قواعد فقهی جزو «بغات ذی فئه» بوده که به علت حرکات وحشیانه خود در قبال نظام جمهوری اسلامی مستحق برخورد و اعدام بوده اند.^{۱۹}

علل مطرح شدن اعدام‌های ۶۷ در چندسال گذشته

حساسیت عمومی درباره ماجرای اعدام های ۶۷ در انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم و بخاطر حضور حجت الاسلام والمسلمین رئیسی به اوج خود رسید. در این برهه دولت سعی کرد که با تحریف این اعدام ها رقیب خود را تخریب نماید. استفاده ابزاری از موضوعات تاریخی و آنهم به شکل تحریف شده، بداخلاقی آشکاری بود که متاسفانه توسط آقای روحانی و برخی از حامیان وی انجام شد. حال آنکه برخی افراد موثر در این ماجرا که البته مجری فرمان حکیمانه حضرت امام (ره) بوده‌اند در زمره حامیان آقای روحانی و مثل آقای پورمحمدی وزیر کابینه وی هستند. البته قبل از انتخابات ۹۶ بی بی سی فارسی و احمد منتظری با انتشار فایل صوتی تقطیع شده منتظری سعی کردند موج سازی هایی را علیه نظام انجام دهند. در یک تحلیل کلی پیرامون تحریف اعدام های ۶۷ می‌توان انگیزه های ذیل را در بازیگران تحریف این قضیه جست:

۱- زیر سؤال بردن جمهوری اسلامی و ایجاد شبهه در اذهان عمومی خصوصا نسل های ۳ و ۴ انقلاب در راستای نفوذ فکری.

۲- ایجادیک ذهنیت منفی نسبت به حضرت امام(ره) خصوصا در نسل های جدید انقلاب.

۳- تطهیر چهره منافقین در اذهان عمومی و ایجاد فضای مظلوم نمایی.

۴- ایجاد آلترناتیو درمقابل جمهوری اسلامی با استفاده از گروهک نفاق و بیت منتظری.

۵- افتتاح پرونده های حقوق بشری علیه جمهوری اسلامی.

۶- تخریب چهره های استراتژیک و مهم نظام.

نتیجه گیری

دهه چهارم انقلاب در حال طی شدن است و انقلاب در حال ورود به دهه پنچ خود می باشد. حقیقت این است که نسل‌های جدید نسبت به تحولات اول انقلاب خالی الذهن هستند و در صورت عدم مرور وقایع انقلاب برای آنها، به راحتی و با تحریف وقایع انقلاب «جای شهید و جلاذ عوض خواهد شد». در این زمینه وظیفه‌ای که برعهده نیروهای انقلابی، سنگینی خواهد نمود، بازخوانی تاریخ امام راحل و انقلاب در حوزه اندیشه‌ای و عملی است.

بی شک اگر این مهم انجام نپذیرد، بواسطه گسترش شبکه های مجازی وموبایلی و افزایش شبهات از سوی دشمن، با موج تحریف امام(ره) و انقلاب از سوی دشمن خارجی و برخی نیروهای مغرض داخلی انقلاب مواجه خواهیم شد. به نظر می‌رسد، وجود همین دغدغه در مقام معظم رهبری بوده است که باعث گردیده ایشان در سنوات گذشته بصورت مکرر از تحریف امام و لزوم بازخوانی آرمان‌ها و اندیشه امام و انقلاب سخن به میان آورده اند.